

# مقاومت ضعیف

اوا مایوسکا



ترجمه‌ی شکیبا عابدزاده



## مقدمه‌ی مترجم:

«حکومت کاری کرده که کار سیاسی شده روسری درآوردن» این جمله و جملاتی مشابه را در خلال جنبش «زن زندگی آزادی» و پس از آن بارها شنیده‌ایم. حتی در اظهارات حکومت هم بارها گفته شده که دشمن مسئله‌ی «فرهنگی» حجاب اجباری را به مسئله‌ای «امنیتی» بدل کرده که به‌هیچ وجه در حد و اندازه‌های سیاسی شدن نیست. نادیده گرفتن، و فراتر از آن تحقیر مبارزه‌ی خاموش، بی‌ادعا، بی‌هیاهو و روزمره‌ی زنان با عرف و قوانین زن‌ستیز و تبعیض‌آمیز حاضر در تمامی ساحت‌های زندگی، نه تنها از رویکردی فرادست برای بی‌ارزش‌سازی هرآنچه مربوط به زنان است برمی‌خیزد بلکه، آن‌طور که در این متن کوتاه اِوا مایوسکا می‌گوید، از غلبه‌ی فیگور مردانه و قهرمانانه در عاملیت سیاسی ناشی می‌شود. آن‌جا که «شجاعانه» باید به پراتیک بچسبید تا سیاسی قلمداد شود. آن‌جا که اعتراف به «ترس» یا «ضعف» خیانت و تلاش برای بقا، نَفَس را نگه داشتن، محافظه‌کاری است.

«مقاومت ضعیف» این تعریف از عاملیت سیاسی را زیر سؤال می‌برد و بر امکان‌هایی در مقاومت می‌اندیشد که در انتظار هیچ امکانی فراتر از آن‌چه هست، نیست. درست همین‌جا هم عاملیت سیاسی حضور دارد. با هر آنچه می‌توانیم و نمی‌توانیم. با پذیرش شکست‌ها و پیشروی. با به رسمیت شناختن «عموم»‌هایی از مردم که بی‌صدا اما مؤثر، «عموم مردم» دلخواه دستگاه سلطه و سرکوب را انکار می‌کنند. این «پادعموم»‌ها نه‌تنها عاملیت سیاسی و امر مشترک را از نو تعریف و تبیین می‌کنند، بلکه می‌توانند در برابر هیبت هزارچهره‌ی ستم بایستند.

اِوا مایوسکا فمینیستی است که بر فلسفه‌ی فرهنگ تمرکز دارد. او فلسفه، ادبیات فرانسه و مطالعات جنسیت را در دانشگاه ورشو خوانده و از ۲۰۰۳ در همین دانشگاه درس‌گفتارهایی درباره‌ی مطالعات جنسیت ارائه کرده است. پس از دریافت مدرک دکترا، او به‌عنوان پژوهشگر مدعو و استاد حق‌التدریس در دانشگاه‌های بسیاری از جمله برکلی کالیفرنیا، مؤسسه‌ی فرهنگ در دانشگاه کراکوف لهستان، مؤسسه‌ی علوم انسانی در وین اتریش و مؤسسه‌ی تحقیقات فرهنگی برلین مشغول به کار بوده است. تاکنون هفت کتاب، به صورت فردی و یا با همراهی دیگر پژوهشگران از او منتشر شده، از

## مقاومت ضعیف

جمله کتاب «ضد فاشیسم فمینیستی». همچنین در مجلات گوناگون مقالات بسیاری با تمرکز بر نظریه‌ی آرشیو و مطالعات کوییر، نظریه‌های فمینیستی انتقادی، پادعموم‌ها، دیالکتیک امر ضعیف و فمینیسم ضد فاشیسم دارد. متن کوتاهی که از او می‌خوانید در سال ۲۰۱۸ در مجله‌ی *krisis*، مجله‌ی فلسفه‌ی معاصر، منتشر شده که در واقع می‌توان آن را مدخلی به مفاهیمی دانست که بعدها در کتاب «ضد فاشیسم فمینیستی» بسط داده است.

شکیبا عابدزاده

اردیبهشت سال سه

کودکی در تاریکی، گرفتار ترس، با خواندنِ سرودی زیر لب خود را آرام می‌سازد. او راه می‌رود و در سرودش درنگ می‌کند. گم‌شده، پناه می‌گیرد، یا تا جایی که می‌تواند با سرودِ کوچکش مسیرش را می‌یابد. سرود مانند طرح ناهنجاری از کانون آرامش‌بخش و ثبات‌بخش، آرام و باثبات، در قلبِ آشوب است. شاید کودک حین خواندن جست‌وخیز کند، ضرباهنگش را سرعت بخشد یا آهسته کند. اما سرود به خودی خود از پیش یک جست‌وخیز است: از آشوب به ابتدای نظم در آشوب می‌پرد و هر لحظه در خطر از هم پاشیدن است. در نخ آریادنه، یا نغمه‌ی اورفئوس، همواره [طنینی] شیوا وجود دارد. (دلوز و گاتاری ۱۹۸۱، ۳۱۱).

عامیانه‌ترین تصویر عاملیت سیاسی بر اساس خود مردانه‌ی غربی سفیدپوستِ دگرجنس‌گرای برترِ مستعمره‌نشین صورتبندی شده است که به‌درستی توسط گایاتری اسپیواک<sup>۱</sup> به مثابه‌ی فیگوری که نه تنها همیشه خودش را تقویت می‌کند، در حالی

<sup>1</sup> Gayatri Spivak

که وعده‌ی انحلال خود را می‌دهد، بلکه - و شاید مهم‌تر آنکه - به مثابه‌ی فیگوری مورد انتقاد قرار گرفته است که همواره در فرآیند تصنعی بازسازی خود «دیگران»ش را تولید می‌کند (اسپیواک ۱۹۹۹). مطابق این تصویر، که تاریخ‌نگاری مارکسیستی و نظریه‌ی انقلاب با آن بیگانه نیست، مقاومت را باید فرمی از عاملیت مردانه، قهرمانانه دید که در آن حق بی هیچ ابهامی از باطل تمیز داده شده و معمولاً به سبک «داوود در برابر جالوت» پیروز می‌شود. در مقابل این توصیف، افراد ضعیف - و در اینجا زنجیره‌ی دیگری در متون مارکس به ذهن متبادر می‌شود - معمولاً از نظر تعداد نیرومند هستند، عاملیت آن‌ها به دور از قهرمانی است، خصوصیات اخلاقی آن‌ها به‌طور بی‌ثباتی نامتعادل و التقاطی و جنسیت آن‌ها - آشفتگی و خاستگاه‌شان - نامقدس است.

همانطور که جیمز اسکات<sup>۲</sup> شرح داده است، سلاح‌های افراد ضعیف عادی و معمولی هستند و به جای قدرت استقامت می‌طلبند (اسکات ۱۹۸۵). در تظاهرات دهقانان، در راه‌پیمایی‌های طولانی و تحصن‌های مسالمت‌آمیز، بیانگری نسبتاً ابتدایی است و واگویی مفروضات معمولاً با الزامات به‌شدت بورژوازی که در نظریه‌های کلاسیک درباره‌ی دگرذیسی قلمروی عمومی صورت‌بندی شده، مطابقت ندارد (هابرماس ۱۹۸۹). افراد ضعیف گاهی اوقات اشکالی از پادعموم‌ها<sup>۳</sup> را می‌سازند، آنها به واقع «پادعموم‌های فرودستان» هستند - از کسانی که پدیدار و به‌حاشیه رانده‌شدن‌شان همزمان رخ می‌دهد. نانسی فریزر پادعموم‌های فمنیستی را به مثابه‌ی نمونه‌ای از آن چیزی می‌داند که او «پادعموم‌های فرودستان» می‌نامد، اما هیچ‌گاه به ساختار تصنعی و دژ‌کاربرد فرودستان اشاره نمی‌کند (فریزر ۱۹۹۰). مفهوم مقاومت ضعیف بر ظلم و مقاومت، تصاحب‌ها و دورویی‌هایی تأکید دارد که همواره در فرآیند ساخت سوزی دیگری حضور دارند. ضعیف به معنای ناممکن نیست. به معنای مقاومت کردن است.

همان‌طور که ممکن است به یاد داشته باشیم، در تفکر دلوژ و گاتاری فیگورهای قهرمانانه‌ی مردانه که حقوق‌شان را با جنگیدن برای آن‌ها مطالبه می‌کنند، مشخصه‌ی

<sup>2</sup> James Scott

<sup>3</sup> counterpublics

## مقاومت ضعیف

سرآغازهای جدید نیستند (دلوز ۱۹۷۷). آن‌ها در واقع از یک لحظه‌ی کافکاگونه از فریب و ضعف شروع می‌کنند، در مواجهه با ترس و خطری طاقت‌فرسا، جایی که ترسناک‌ترین امر شاید به معنای واقعی کلمه امکان رخ‌دادن هر چیزی است. سرود کوچکی که دلوز و گاتاری پسر را در حال خواندن آن نشان می‌دهند، نوعی دگردیسی را مشخص می‌کند. یک منظومه‌ی جدید، یک اسمبلی جدید را آغاز می‌کند. این سرود پیروزمندانه‌ی ملتی جدید در مقابل دشمنی به وضوح تعریف‌شده نیست. یک نوای سکوت است که هدفش بقاست، نه پیروزی. و با این حال همه چیز به شیوه‌ی غیرمنتظره متجلی می‌شود. این‌ها کنش‌های مخاطره‌آمیز شخصیتی عمیقاً مردد هستند - به تعبیر دلوز و گاتاری «این ترکیب از عناصر ناهمسان بدون ابهام نیست. شاید همان ابهامی را دارد که قیمت‌گذاری مدرن نقاشی‌های کودکان، متون نوشته شده‌ی یک مجنون و کنسرت‌های نویز<sup>۴</sup> دارند.» (دلوز و گاتاری ۱۹۸۱، ۳۵۰). آن‌ها همچنین یک ویژگی مشخصاً ضعیف از کنش‌های قلمروسازی را با این استدلال مطرح می‌کنند که «ما هیچ‌گاه نمی‌توانیم مطمئن باشیم که به اندازه‌ی کافی قوی خواهیم بود، به این دلیل که سیستمی نداریم، تنها خطوط و جنبش‌ها را داریم». قلمرو، اینجا، به یک تأسیس جدید، پاسخی به ترس ارجاع دارد و موجودیت و عاملیت جدیدی را بدون ادعای هژمونیک راه می‌اندازد.

قلمروی جدید باید فراتر از خصوصی و عمومی تصور شود. قلمرو جدید همچنان یا «همیشه از پیش» مشترک است (بنگرید به هارت و نگری ۲۰۰۹). به این معناست که متعلق به همه است، اما همچنان معمولی و عادی است، نه استثنایی. از این لحاظ، ما را به یاد افرادی می‌اندازد که برای سوژه‌ی غربی همواره از پیش در موقعیت‌های بی‌ثباتی قرار دارند تا پدیدار شوند (لوری ۲۰۱۵). ضعیف همچنین پیوند میان نسل‌های به‌حاشیه رانده شده است، مطابق با آنچه در تزهایی درباره‌ی فلسفه‌ی تاریخ والتر بنیامین آمده، جایی که تصویر مسیحایی از رستگاری برای خدمت به توده‌های غارت‌شده و بازتفسیر میراث ماتریالیسم تاریخی ربوده شده است. بنابراین مقاومت ضعیف مقاومتی است که خود را به مثابه‌ی یک قلمروی جدید پدیدار می‌سازد،

<sup>4</sup> concerts of noise

بازتأسیس غیرمنتظرانه‌ی ماده‌ی تاریک محذوفان که به‌ناگهان عاملیت خود را در صحنه‌ی تاریخ ظاهر می‌کند.

متن اصلی:

Eva Majewska, [Weak Resistance](#), Krisis 2018, Issue 2.

### منابع

Deleuze, Gilles. ۱۹۷۷. "Lectures on La Ritournelle." Web Deleuze. <https://www.webdeleuze.com/textes/۱۸۳>

Deleuze, Gilles and Félix Guattari. ۱۹۸۱. Mille Plateaux. Paris: Editions du Minuit.

Fraser, Nancy. ۱۹۹۰. "Rethinking the Public Sphere. A Contribution to the Critique of Actually Existing Democracy." Social Text ۲۶/۲۵: ۵۶-۸۰.

Habermas, Jürgen. ۱۹۹۰. Structural Transformation of the Public Sphere: An Inquiry into a Category of Bourgeois Society. Cambridge, Mass: The MIT Press.

Hardt, Michael and Antonio Negri. ۲۰۰۹. Commonwealth. Cambridge, Mass: Harvard University Press.

Lorey, Isabell. ۲۰۱۵. State of Insecurity. Government of the Precarious. London: Verso.

Scott, James. ۱۹۸۵. Weapons of the Weak. Everyday Forms of Peasant Resistance. Yale University Press.

Spivak, Gayatri Chakravorty. ۱۹۹۹. A Critique of Postcolonial Reason. Cambridge, Mass: Harvard University Press.

مقاومت ضعیف

